

۱۳۶۹۶۷۲

# نظمیں بچوں کے لیے

آنا شی ہان  
گلابول پور ضیائی

نشر ایران بان



سرشناسه:	: شی‌هان، آنا. Sheehan, Anna
عنوان و نام پدیدآور	: تصمیم نابخشودنی / نویسنده آنا شی‌هان؛ مترجم گلائیول پورضیایی
مشخصات نشر	: تهران: ایران بان ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۸-۲۲۱-۰-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت:	: عنوان اصلی: No life but this
موضوع	: داستان‌های آمریکایی — قرن ۲۰م.
شناسه افزوده:	: پورضیایی، گلائیول، ۱۳۵۳ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ عت ۹ / PIR۲۵۶۴
رده بندی دیویی	: ۸۱۳/۵۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۹۴۵۳۲

به نام و



تصمیم نابخشودنی

نویسنده: آنا شی‌هان  
 مترجم: گلائیول پورضیایی  
 ویراستار: مریم رفیعی  
 صفحه‌آرایی: پریا امیرزاده  
 چاپ و صحافی: پردیس دانش  
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴  
 قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

نشانی: تهران - میدان فردوسی - خیابان ایرانشهر جنوبی - پلاک ۵

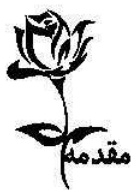
تلفن: ۵۰ - ۸۸۳۱۵۸۴۹

نمبر: ۸۸۳۰۱۴۵۳

وب سایت: [www.ibpublication.com](http://www.ibpublication.com)

ایمیل: [info@ibpublication.com](mailto:info@ibpublication.com)

صندوق پستی: ۳۱۵۹-۱۵۸۱۵



پنج ساله بودم. آن برای اولین بار سیاره‌ی محل تولدم را دیدم. البته واقعا سیاره نبود. اروپا نام داشت و یکی از قمرهایی بود که همیشه بر سایه‌ی مشتری حکومت می‌کنند. یکی از چهار نقطه‌ی نورانی‌ای بود که با درماندگی دور آن نوار کمر مرچسند و با زمینی که در آن به دنیا آمده بودم، فاصله‌ی بسیار داشت.

در مهد کودک وقتی از تلسکوپ نگاه می‌کردیم، مربی‌مان افسانه‌هایی از خدایان، پری‌ها و حیوانات تعریف می‌کرد، اما من هیچ‌وقت گوش نمی‌دادم. دست‌هایم که از رنگ آبی پوشیده بود را دراز می‌کردم تا بتوانم نزدیک با انگشت‌هایم بگیرم، کف دستم بگذارم و به آوازش گوش دهم. صدایی من یک سیله‌ی الکتریکی در گوشم زنگ می‌زد و آن چیزی نبود جز یورپا. می‌دانستم که او مادری است. مادری سرد، بی‌احساس، بی‌عاطفه و دست نیافتنی. اما مادر خودم بود. او زندگی را به وجود آورده بود. زندگی‌ای عجیب و بیگانه، مملو از گیاهان دریایی، نه بی‌حسی تیغ‌دار و الکترو میکروب‌هایی<sup>۱</sup> درست شبیه آنها که ما را به وجود آورده بودند. از همان موقع می‌دانستم که زمین خانه‌ام نیست. و اگرچه با چشم خودم قادر به دیدن

1. EUROPA

2. ELECTRO MICROBE نوعی موجودات ریز و ذره بینی که با جریان برق کار می‌کنند

ماه نبودم، اما سعی می‌کردم با دست‌هایم آن را بگیرم.  
با این حرکت باعث می‌شدم تلسکوپ تکان بخورد و یوروپا از تیررسم محو شود.  
بعد به گریه می‌افتادم. مریخی دوباره تلسکوپ را تنظیم می‌کرد و می‌گفت که دیگر  
دستم را دراز نکنم.  
اما من هیچ‌وقت به حرفش گوش نکردم.

www.ketab.ir